

Challenges to freedom of assembly and protest in the Islamic Republic of Iran

Ali shokrollahi*

Received: 2016/10/04

Mohammadtaher safarzadeh**

Accepted: 2016/12/21

What is seen in connection with Article 27 of the Constitution, is the stipulation of the public freedom of expression of the people collectively. But the emergence of this freedom in the context of society has faced challenges, including the existence of the conditions referred to in this principle, as well as the political and security considerations that often lead governments to conservatism. In this article tries to explain these restrictions first and then to answer the questions, whether the principle of "freedom of association and marches" with the condition of obtaining a collectible permit can be answered in a descriptive-analytical way and in the method of collecting library-internet resources. Is it or not? What is the duty of the government in recognizing and holding and organizing gatherings and marches and guaranteeing the mentioned right to the nation? Can Article 27 of the Constitution be a license to impose restrictions on rallies and demonstrations, or does it seem sufficient under this principle to merely declare the intention to hold rallies? And Finally, after criticizing the government's decision to implement this freedom, we will make suggestions for its implementation to ensure the legitimate freedoms of the people.

Keywords: Public rights of the people, Fundamental freedom, Rallies, Protests, Article Twenty-seven of the Constitution.

* Masters student in Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.

a.shokrollahi@isu.ac.ir

** Masters student in Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

tahersafarzadeh1377@gmail.com

چالش‌های فراوری آزادی تجمعات و اعتراضات در جمهوری اسلامی ایران

علی شکرالهی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۳

محمدطاهر صفرزاده عربی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۱

چکیده

آنچه که در ارتباط با اصل ۲۷ قانون اساسی به چشم می‌خورد تصریح بر آزادی عامه مردم در بیان نظرات خود به شیوه جمعی است؛ اما ظهور این آزادی در بستر جامعه با چالش‌هایی مواجه بوده که از جمله آنها وجود شروطی است که در این اصل به آنها اشاره شده و علاوه بر آن ملاحظات سیاسی و امنیتی است که معمولاً دولت‌ها را به سمت محافظه‌کاری می‌کشاند. در این نوشتار سعی بر این است تا ابتدا به تبیین این محدودیت‌ها پرداخته شود و در ادامه با روشی توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری منابع کتابخانه‌ای به این پرسش‌ها جواب داده شود که آیا اصل آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها با شرط أخذ مجوز قابل جمع است یا خیر؟ وظیفه دولت در به رسمیت شناختن، برگزاری و تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و تضمین آزادی مذکور برای ملت چیست؟ آیا اصل ۲۷ قانون اساسی می‌تواند مجوزی برای وضع محدودیت‌هایی جهت برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها باشد؟ و یا اینکه بر اساس این اصل صرف اعلام قصد انجام راهپیمایی کافی به نظر می‌رسد؟ و در انتها پس از نقد مصوبه‌ای از دولت در جهت اجرایی‌سازی این آزادی، به بیان پیشنهادهایی از جمله ایجاد کمیسیون و سامانه راهبری اجتماعات و اعتراضات مردمی و تعیین و تبیین حدود و ثغور دو قید نظم عمومی و مبانی اسلام به منظور عملیاتی‌شدن این آزادی مشروع مردم خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: حقوق عامه، آزادی بنیادین، تجمعات، اعتراضات، اصل بیست و هفت قانون اساسی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

a.shokrollahi@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول).

tahersafarzadeh1377@gmail.com

مقدمه

آزادی تجمعات از جمله مسائلی است که از زمان مشروطه مورد نظر مقننان قانون اساسی کشور قرار داشته است؛ به طوری که در اصل ۲۱ قانون اساسی مشروطه به آن اشاره شده بود^۱، با این وجود در عصر پهلوی مورد فراموشی واقع شده و اعتراضات و تجمعات بعضاً به شکل خشونت‌باری مورد سرکوب قرار می‌گرفتند. به همین جهت با گذشت زمان و مواجهه مستقیم انقلابیون با این موضوع و اثرگذاری این امر بر آنها یکی از مسائلی که از بدو تشکیل جمهوری اسلامی مورد نظر مجلس خبرگان قانون اساسی قرار گرفت^۲ و از این‌رو در پیش‌نویس گروه تخصصی مجلس بررسی‌های قانون اساسی تحت عنوان اصل ۳۱ به آن پرداخته و محل تضارب جدی آرا واقع شد، بحث آزادی تجمعات و اعتراضات بوده است. در اصل ۳۱ پیش‌نویس آمده بود: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح و با اعلام قبلی در خیابان‌ها، میدان‌ها و مراکز عمومی آزاد است به شرط آن که مخل امنیت و نظم عمومی بر خلاف مبانی اسلام نباشد. دولت باید امنیت اجتماع کنندگان، مراکز و مسیرها را تضمین کند و از درگیری‌های خشونت‌بار جلوگیری نماید»^۳. در نهایت این شکل از آزادی در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جای گرفت و وضع هر گونه محدودیت غیر از شروط مندرج در اصل ۲۷ قانون اساسی با مخالفت اعضای مجلس مذکور روبه‌رو شد.

اما با وجود تمامی تحولات و چالش‌های موجود بر سر راه این آزادی، جمهوری اسلامی پس از گذشت قریب به چهار دهه همچنان مشکلات بسیاری را در عملیاتی ساختن آن بر سر راه خود می‌بیند؛ از برقراری امنیت تا حفظ کیان اسلام از جمله چالش‌های اجرایی این آزادی است؛ که هر چند مسئولان دولتی در مقام ایفا، متعهد به ضمانت آن برای ملت هستند و گام‌هایی هر چند ناقص را در این راه برداشته‌اند. با این حال همچنان شاهد ضعف و کمیبود در این حوزه هستیم؛ به نحوی که مردم در استیفای این آزادی مشروع خود با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند.

بنابراین اهمیت موضوع مورد تحقیق در آن است تا با بررسی ظرفیت‌های موجود در زمینه آزادی تجمعات و اعتراضات عامه مردم در ایران، بتواند در عین آن که چالش‌های موجود را شناسایی کرده به ارائه راه‌حلی در این ارتباط نیز پردازد و گامی

کوچک در جهت حل این چالش‌ها بردارد؛ از این روست که موضوع مقاله پیش رو در حوزه آزادی تجمعات هر چند که از لحاظ شناسایی و تبیین آسیب‌ها و چالش‌ها دارای موارد مشابهی همچون (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳؛ زرگری‌نژاد و رنجریان، ۱۳۹۵) است؛ اما در زمینه ارائه راهکارهای عملیاتی در جهت اجرایی‌سازی این آزادی امری بدیع است.

سرانجام با توجه به هدف مقاله و پژوهش در ارائه راهکاری در جهت اجرای آزادی مصرح در اصل بیست و هفتم قانون اساسی، سعی شده است تا با بهره از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای در نگارش این مقاله، علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین راهکار و آنچه که باید باشد و ابعاد آن پرداخته شود. به همین ترتیب در ادامه به منظور تبیین بحث، ابتدا به بررسی مفاهیم مورد بحث از جمله تفاوت مفهومی اعتراض و تجمع از سایر مفاهیم هم رده و بعد از آن محدودیت‌ها و شروط اجرای آزادی تجمعات و در کنار آن تعهد حکومت در حمایت و تضمین از این آزادی مشروع مردم خواهیم پرداخت تا با بررسی وضعیت موجود به ارائه راه‌حل‌هایی به منظور نیل به سمت وضعیت مطلوب، گامی کوچک برداشته باشیم.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. آزادی تجمعات

نخستین شرط لازم برای بهره‌مندی از هر حق، روشن بودن ماهیت و گستره آن است. اعتراض و تجمع از اصطلاحات رایج در ادبیات حقوقی - سیاسی عصر حاضر به شمار می‌رود؛ آزادی تجمع، در عام‌ترین معنا، به عنوان یکی از آزادی‌های گروهی، در راستای آزادی‌های فردی و ملازم آن است. با این وجود باید توجه داشت که حق بر آزادی تجمع از جمله آزادی‌های گروهی است که تکرر اعمال‌کنندگان، از ارکان بنیادین آن است (قاسمی؛ گرجی ازندریانی و احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۵).

در تعریفی شاخص از آزادی تجمعات باید بیان داشت که آزادی تجمعات به معنای «آزادی عموم مردم در سطح یک جامعه معین، در بیان نظر خود است؛ که به شکل جمعی و در قالب یک گردهمایی ارادی و موقتی نمود پیدا می‌کند.» با توجه به تعریف

ارائه شده، مؤلفه‌هایی ترسیم شدند که شامل تحقق آزادی در سطح یک جامعه معین و همچنین بیان نظر و تبادل دیدگاه در آن به صورت جمعی و در قالب یک گردهمایی ارادی و موقتی است تا بتواند وصف اجتماع را به خود بگیرد. از این رو با توجه به ارائه تعریفی مختار به منظور تبیین هر چه بیشتر آن به شرح مؤلفه‌های آن می‌پردازیم.

۱-۱-۱. بیان نظر و تبادل دیدگاه

در نگاه برخی، اجتماع به معنای «نوعی گردهمایی سازمان یافته و متمایز با ازدحام است. این گردهمایی موقت و با هدف خاص به منظور تبادل دیدگاه‌ها و عقاید مشترک در مکان خصوصی یا عمومی غیر از معابر عمومی تشکیل می‌شود» (هاشمی، ۱۳۸۴، ص. ۲۱۸)؛ بنابر این تعریف، غایت اصلی در یک اجتماع و گردهمایی تبادل نظر و دیدگاه است؛ به همین جهت است که برخی در تبیین چرایی هدفمند بودن اجتماع در تمایز با سایر مفاهیم این‌طور بیان داشته‌اند که: «چون در اجتماع شاهد تبادل نظر و عقیده هستیم؛ به همین دلیل اجتماع، متصف به وصف اندیشمندی است» (حبیب‌نژاد و سعید، ۱۳۹۸، ص. ۱۱؛ عباسی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۹).

۱-۱-۲. ارادی و موقتی بودن

از نگاه برخی دو ویژگی «موقتی بودن» و «ارادی بودن» از جمله شرایط اساسی است که سبب می‌شود تا یک گردهمایی وصف تجمع را به خود گیرد (زرگری‌نژاد و رنجبریان، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۸). به عبارت دیگر هنگامی می‌توانید صحبت از اجتماع به میان بیاورید که افراد به صورت ارادی و با یک هدف مشخص به منظور بیان نظر خود در کنار یکدیگر جمع شده باشند و اساساً، اجتماع غیرارادی افراد در کنار یکدیگر تنها به معنای ازدحام جمعیت است. از طرف دیگر موقتی بودن اجتماع یکی از اوصاف جدایی‌ناپذیر از اجتماعات است چرا که اساساً اجتماع دائمی قابل تصور نیست و وصف موقتی بودن با اجتماع ممزوج شده است.

۱-۱-۳. جامعه معین

حضور در جامعه معین از لوازم استیفای این آزادی است؛ اما برخی این مؤلفه را از ارکان تظاهرات دانسته و این‌طور بیان دارند که مفهوم تظاهرات مبین آن است که

گروهی از افراد به نحو سازمان‌یافته در معابر عمومی و به منظور بیان خواسته‌ها یا عقایدی که ممکن است جنبه سیاسی، اجتماعی و مذهبی داشته باشد، حضور می‌یابند (دوفار، ۱۳۹۱، ص. ۴۲). اما باید توجه داشت که مهم‌ترین شاخصه در تفکیک دو مفهوم تظاهرات و اجتماعات در توجه به این غایت است که در تظاهرات تبادل نظر صورت نمی‌گیرد، بلکه مطالبات جمعی از طریق تظاهرات به نمایش گذاشته می‌شود. در واقع، تجمع‌کنندگان بیان اعتراضی خود را از طریق تظاهرات در یک مکان خاص به نمایش می‌گذارند.^۴ با توجه به همین ویژگی است که برخی در تبیین تظاهرات، آن را بیان خواسته دسته‌جمعی گروهی از افراد با حضور در معابر عمومی و استفاده از یک فرصت نمایشی چون راهپیمایی همراه با صف‌بندی افراد و استفاده از ابزارهای شعاری و پلاکارد می‌دانند. (هاشمی، ۱۳۸۴، صص. ۴۲۱-۴۲۲).

۴-۱-۱. فردی یا گروهی بودن

از ویژگی‌های مهم دیگر آزادی تجمعات توجه به ماهیت آن از بعد فردی یا گروهی بودن آن است، این امر در آنجا متجلی می‌شود که فرد یا افراد در اعمال این آزادی با این پرسش روبه‌رو می‌شوند که آیا نیاز به سایر افراد برای ایفای آن است یا خیر؟ در تبیین گروهی بودن و یا فردی بودن آزادی تجمعات نظرات متعددی در میان دکتربین و اندیشمندان این حوزه وجود دارد. برخی قائل به گروهی بودن آن بوده و در تبیین این نظر بیان می‌دارند که: «حق بر تجمع و اعتراض، حقی گروهی است. آزادی گروهی قدرتی است که برای اشخاص به رسمیت شناخته شده تا از طریق آن بتوانند به صورت دسته‌جمعی اقداماتی را انجام داده و احتمالاً برای رسیدن به اهداف مورد نظر، فعالیت خود را سازماندهی کنند. هنگامی که یک عمل فردی توسط افراد دیگر تکرار و بازتولید شود، ماهیت حقوقی آن عمل تغییر می‌کند» (دوفار، ۱۳۹۱، ص. ۲۵)؛ اما در مقابل، گروهی دیگر نیز این آزادی را ماهیتاً از نوع آزادی‌ها و حقوق فردی می‌دانند (حبیب‌نژاد و سعید، ۱۳۹۸، ص. ۱۴).

اما آنچه که صحیح به نظر می‌رسد آن است که آزادی تجمع اگرچه به صورت شکلی در قالب جمعیت و گروه تجلی یافته و محقق می‌شود و نمایش و بروز بیرونی آن در قالب حقی جمعی است؛ اما توجه به ریشه و ماهیت آن، ما را متوجه می‌سازد که

این حق و آزادی خاستگاهی فردی دارد؛ به عبارت دیگر تجمع و اعتراض نمای بیرونی آزادی بیان است و از این رو به رسمیت شناختن و تضمین آزادی تجمع و تظاهرات در واقع، به منزله شناسایی و تضمین آزادی اندیشه و بیان در بُعدی گروهی و اجتماعی است. در واقع «این آزادی‌ها را می‌توان آزادی‌های فردی انباشته و مترکمی دانست که قدرت آنها چندین برابر شده و اثرگذاری آنها مطمئن‌تر است» (دوفار، ۱۳۹۱، ص. ۱۰). در تأیید همین دیدگاه برخی معتقدند: «آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌هایی است که از یک بعد موضوعیت و از بعد دیگر طریقت دارد. آزادی اجتماعات علاوه بر اینکه خود حقی است مستقل، ابزاری برای تحقق سایر حقوق و آزادی‌ها از قبیل آزادی بیان، اندیشه و تفکر است» (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۹).

۲. محدودیت‌ها و شروط اجرای آزادی تجمعات

همان‌طور که گذشت این آزادی نقش اساسی و مهمی در برآورده ساختن دیگر حقوق و آزادی‌های بشری بالاخص آزادی‌های سیاسی مانند حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان، آزادی تشکیلات و... دارد. از این روست که توجه و اهتمام به این آزادی در جامعه بین‌المللی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که در اندیشه مدرن معمولاً بیم آن می‌رود که دولت و سایر افراد، آزادی‌های مشروع را نقض کنند؛ بنابراین بهترین روشی که برای تضمین و صیانت از آزادی‌های افراد در نظر گرفته شده است، حق‌انگاری آنهاست. از این روست که برخی آزادی اجتماعات را ماهیتاً آزادی می‌دانند اما به اعتبار اینکه نظام بین‌المللی حقوق بشر، حق‌محور است و همیشه این افراد هستند که در مقابل دولت حق دارند و آن را مطالبه می‌کنند، آن را به شکل یک حق بشری توصیف می‌کنند^۵ (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۲).

حال امری که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده آن است که اجرای این آزادی‌ها و حقوق در عالم اثبات با چه محدودیت‌هایی روبه‌رو است و چه قیدهایی را متحمل می‌شود و اساساً آیا این قیود، محدودیت‌هایی اساسی هستند و یا اموری فرعی و غیرلازم؟

در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل ۲۷ قانون اساسی، که این حق را در پرتو موازین شرعی برای ملت به رسمیت شناخته، دو قید در اجرای آن پیش‌بینی شده است؛

نخست «عدم اخلال به مبانی اسلام» و دیگری «عدم حمل سلاح»^۶. نکته دیگر که تجربه آن را ثابت کرده است و با نگاهی به نظام‌های حقوقی دیگر می‌توان از آن اطمینان حاصل کرد، مسئله حمایت و تضمین این حق توسط دولت است. هر چند که اصل بر آزادی و عدم وضع محدودیت‌های خارج از نص است؛ اما این موضوع نافی این مهم نیست که دولت تعهدات مثبتی در مقابل عامه مردم و ملت برای تضمین حقوق آنان دارد؛ از جمله آنکه دولت موظف است تا امنیت اجتماع‌کنندگان را تضمین نماید و این امر متصور نخواهد بود جز از طریق اعمال برخی از قیود که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱. اجازه و اطلاع

یکی از مسائل چالشی در مسئله آزادی تجمعات، اطلاع و کسب مجوز از دولت است. بسیاری معتقدند حقی که در اصل ۲۷ قانون اساسی برای ملت به رسمیت شناخته شده است مطلق و سکوت قانون‌گذار در این اصل معنادار بوده و نمی‌توان اطلاع و یا هر گونه کسب مجوز را بر مردم برای اعمال این حقشان تحمیل کرد (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۵)؛ اما در عالم اجرا و اثبات قضیه کمی متفاوت است؛ چرا که نظم عمومی اقتضائات متفاوتی را رغم زده است. از این‌روست که از لحاظ رویه عملی در نظام‌های حقوقی شاهد سه رویکرد متفاوت هستیم:

۲-۱-۱. رویکرد کسب اجازه پیشینی^۷

مطابق این رویکرد که یکی از سخت‌گیرانه‌ترین رویکردهای موجود است، برای استفاده از آزادی مورد بحث باید از یک مرجع یا مقامی خاص کسب اجازه شود و در صورت تصدیق معیارهای لازم، امکان استفاده از این آزادی برای افراد ممکن خواهد شد. این رویکرد همان چیزی است که در بند ۶ ماده ۱۱ قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی^۸ و همچنین در آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی^۹ مصوب شورای عالی امنیت ملی مشاهده می‌نماییم.

۲-۱-۲. رویکرد استطلاعی یا اطلاع قبلی

این رویکرد در مقایسه با رویکرد قبلی از محدودیت‌های کمتری برخوردار است و تنها افرادی که تمایل به استفاده از این حق را دارند مطابق با قانون، مکلف هستند تا مقامات ذی‌ربط را مطلع کنند. هر چند باید توجه داشت که این امر به معنای لزوم کسب و اخذ مجوز نبوده و اعلام در آن تنها از این جهت است که مقدمات لازم آن توسط مسئولان پیش‌بینی گردد. این رویکرد وجه بین‌المللی نیز دارد؛ به طوری که «کمیته حقوق بشر در قضیه کیونما علیه دولت فنلاند، تلویحاً کسب مجوز قبلی برای تجمعات خیابانی را قابل قبول نمی‌داند ولی در مورد اعلام قبلی به مقامات عمومی عقیده دارد که اعلام برگزاری تجمع در یک مکان عمومی به پلیس، شش ساعت قبل از برگزاری آن، به نظر با محدودیت‌های مقرر در ماده ۲۱ سازگاری دارد.» (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳، صص. ۲۰۴-۲۰۵) و یا در مثالی دیگر در فرانسه تظاهرات و راهپیمایی آزاد بوده و اما اعلام قبلی آن به اداره ذی‌ربط الزامی است تا در صورت اختلال در نظم عمومی و ایجاد وضعیت خطرناک مانع از برگزاری آن شود (عباسی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۴).

هر چند که برخی با نگاهی متفاوت اطلاع قبلی را تنها برای تجمع‌های گسترده که احتمال اختلال در آنها محتمل است، لازم می‌بینند و اجبار مردم به اطلاع‌رسانی در ارتباط با تمامی موارد را مغایر با ماهیت این آزادی می‌دانند (Report of Special Rapporteur, 2013: para.52 به نقل از: زرگری‌نژاد و رنجبریان، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۵). اما باید توجه داشت که اطلاع قبلی و رویکرد استطلاعی همچنان اعمال محدودیتی بر آزادی تجمعات و خط بطلانی بر اطلاق این حق برای عامه مردم است و با وجود همه این موارد باید پذیرفت که اقتضائات موجود در جامعه و حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از هر گونه ضرر و زیان به سایرین و حتی اعمال قیود موجود در اصل ۲۷ قانون اساسی قابل توجیه است؛ چرا که هم اجتماع‌کنندگان، هم سایرین و هم اصول و ارزش‌های فرادستی و اعتقادی یک ملت باید از امنیت بهره‌مند باشند.

۲-۱-۳. رویکرد عدم اطلاع و تعقیب پسینی

این رویکرد دقیقاً در نقطه مقابل رویکرد کسب مجوز پیشینی قرار دارد و بیان می‌کند بنابر آنکه این آزادی مطلق است و هیچ محدودیتی در این زمینه در به رسمیت شناخته

شدن آن وجود ندارد پس نباید این محدودیت خلاف نص را بر آن افزود و تنها در صورت اضرار به غیر می‌توان از آن جلوگیری کرده و محدودیت‌هایی را برای آن اعمال نمود؛ چرا که «کسب مجوز به عنوان شرط تحقق آزادی اجتماعات، با توجه به گذار از التهابات ابتدای انقلاب و در شرایط ثبات سیاسی اجتماعی کشور، محدودیتی غیرقابل توجیه و البته خلاف قانون اساسی است» (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۰)؛ موضوعی که در مصوبه ۲۹۹۰ شورای نگهبان^{۱۱} نیز به آن اشاره شده است و به صراحت برگزاری اجتماعات را نیازمند هیچ مجوزی ندانسته است.

این رویکرد را می‌توان در اصل ۲۱ قانون اساسی اسپانیا نیز مشاهده نمود، به صورتی که حق تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز را منوط به کسب مجوز قبلی ندانسته است و یا بند ۱ اصل ۸ قانون اساسی آلمان در این خصوص بیان می‌دارد: «تمام افراد آلمانی حق خواهند داشت با رعایت آرامش و بدون حمل سلاح، دور هم جمع شوند؛ بدون آنکه به مقامی قبلاً اطلاع داده و یا اجازه گرفته باشند». در نتیجه همان‌طور که مشاهده می‌شود در این رویکرد نیازی به اطلاع قبلی و کسب مجوز وجود ندارد و تنها در صورت بروز تخلف و یا ایراد ضرر و زیان، اشخاص مورد تعقیب و پیگرد قرار خواهند گرفت.

۲-۲. عدم اخلال به مبانی اسلام

از دیدگاه اسلامی تشکیل راهپیمایی و اجتماع به عنوان نمودی از اصل امر به معروف و نهی از منکر بر اساس کلام صریح آیه کریمه: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...» (سبأ / آیه ۴۶) به رسمیت شناخته شده است؛ اما از چالش‌های اصلی موجود در ارتباط با اصل ۲۷ قانون اساسی تفسیر این عبارت است که اساساً چه چیزی به عنوان مبانی و بیضه اسلام شناخته می‌شود؟ از همین رو به جهت پاسخ‌دهی به این پرسش با استعانت از سایر اصول قانون اساسی به منظور دستیابی به نگاهی سیستمی و با کمک از نظر اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، شاید بتوان به پاسخی در این ارتباط دست یافت.

در تبیین عبارت «مخل به مبانی اسلام» در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بحث‌های متعددی شکل گرفته است. برخی با بیان اینکه این محدودیت مشمول اقلیت‌های دینی شده^{۱۱} این‌طور بیان داشته‌اند که: «اقلیت‌های دینی نباید برخلاف

مبانی اسلام اقدام به تشکیل اجتماع و یا راهپیمایی نمایند» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۷۱۲). همچنین «راهپیمایی و برگزاری اجتماعات از سوی بهائیان، خلاف مبانی اسلام است» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۷۱۸) و یا عده‌ای دیگر با برشمردن برخی مصادیق، سعی در تبیین این مفهوم داشتند؛ بدین گونه که «راهپیمایی و تشکیل اجتماع علیه حجاب و عفت عمومی، مصداقی از برگزاری راهپیمایی علیه اسلام بوده و ممنوع است» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۷۱۷-۷۱۸) و یا این مهم را به مفاهیمی چون نظم عمومی گره زده و این طور بیان داشته‌اند که: «اگر تظاهرات و راهپیمایی نظم عمومی را برهم زند و مخل امنیت باشد، برخلاف مبانی اسلام تلقی می‌گردد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۳، ص. ۱۷۹۷).

اما دیدگاه مهمی که در میان اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به چشم می‌خورد، واگذاری تشخیص این امر به قانون است؛ بدین نحو که: «تشخیص جرایم و عقاید خلاف مبانی اسلام باید با قانون باشد و قانون این امور را تبیین و تعیین نماید» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۷۱۷) و یا یکی دیگر از نمایندگان ضمن بحث در ارتباط با نیازمندی یا عدم نیازمندی کسب مجوز برای امور مذهبی این طور به این موضوع اشاره داشته است که: «... راهپیمایی هم فقط در حدی است که بخواهد در معابر عمومی و میدان‌ها باشد. به هر حال اجتماعات و راهپیمایی اگر در خیابان‌ها و معابر عمومی و میدان‌ها باشد باید مقرراتی داشته باشد...» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۷۱۱).

این دیدگاه را می‌توان با توجه به سایر اصول قانون اساسی نیز توجیه نمود؛ با توجه به این مهم که طبق اصل ۲۴ قانون اساسی، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند و قانونگذار اساسی تفصیل و تعیین موارد اخلال به مبانی اسلام یا حقوق عمومی را به قانون عادی واگذار نموده است و از طرف دیگر می‌دانیم که با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای

اسلامی جز در مورد قوانین مخالف اصول و احکام مذهب رسمی کشور و قانون اساسی در عموم مسائل می‌تواند اقدام به قانونگذاری نماید و تبیین و تعیین مصادیق «مخل به مبانی اسلام» با توجه به سکوت قانونگذار در ارتباط با برشمردن مصادیق آن و عدم ارائه نظریه تفسیری شورای نگهبان در این ارتباط^{۱۲} نیز از جمله این امور است که مجلس توانایی قانونگذاری در ارتباط با آن را دارد.

۲-۳. عدم حمل سلاح

به نظر می‌رسد که ذکر قید «عدم حمل سلاح» با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، به منظور صیانت از نظم عمومی و امنیت بوده است؛ این محدودیت را می‌توان در ماده ۱ متمم قانون اساسی آمریکا و بند ۱ ماده ۸ قانون بنیادین آلمان نیز تحت عنوان «آرام و غیرمسلحانه بودن اجتماعات و تظاهرات» مشاهده نمود؛ بنابراین حفظ نظم عمومی و امنیت شهر و کشور یکی از مهم‌ترین قیودی است که مانع از برگزاری تجمعات خواهد شد. چنین رویه‌ای را در فرانسه نیز مشاهده می‌نماییم. در فرانسه بیشتر محدودیت‌های مربوط به آزادی تجمع و تظاهرات، بر ضرورت احترام و رعایت نظم عمومی استوار شده است؛ از این‌رو در فرانسه آزادی تجمعات دارای محدودیت‌هایی است که عبارتند از:

- ۱- ممنوعیت برگزاری تجمعات در معابر عمومی؛
- ۲- بر عهده داشتن مسئولیت حفظ نظم تجمعات توسط افرادی در تجمع؛
- ۳- اجباری بودن حضور و شرکت نماینده دولت و معمولاً یک مأمور پلیس برای حفظ نظم؛
- ۴- مقامات انتظامی توانایی ممنوعیت تجمعی را که منجر به تعرض و تهدید جدی به نظم عمومی گردد را دارند (عباسی، ۱۳۹۵، صص. ۱۴۳-۱۴۴).

همان‌طور که مشاهده می‌شود به منظور تحقق صیانت از نظم عمومی و امنیت تجمع و افرادی که در معرض آن قرار دارند و از همه مهم‌تر حفاظت اموال عمومی و دولتی از تعرض احتمالی، نیاز به آن است تا دولت‌ها به وسیله نیروهای انتظامی خود اقدامات لازم را در این جهت انجام دهند^{۱۳}؛ این امر جز از طریق اطلاع‌پیشینی نهادهای ذی‌ربط ممکن نخواهد بود.

۳. تعهد حکومت در حمایت و تضمین آزادی اجتماعات

با توجه به محدودیت‌های موجود و توضیحات بیان شده پیرامون اصل ۲۷ قانون اساسی، متوجه این امر شدیم که اساساً به منظور صیانت از حقوق عامه مردم در تشکیل تجمعات و تظاهرات، نیازمند به قانونی جامع هستیم. هر چند در اصل ۲۷ قانون اساسی به قانون عادی ارجاع داده نشده است اما با توجه به توضیحاتی که داده شد منعی برای تقنین در این زمینه وجود ندارد و حکومت نیز متعهد به تضمین این حق و آزادی است. تعهد به تضمین از سوی حکومت نیز بدین معناست که این آزادی توسط قانون برای افراد شناسایی شده و سازکارهای قانونی برای تضمین و اجرایی شدن آن در نظر گرفته شود از این‌رو «تدوین و تصویب قوانین مربوط به اجتماعات از تعهدات دولت‌هاست که باید در آن سازکارهای مربوط به این آزادی به طور شفاف ترسیم شود. ایجاد سازکارهای اداری و اجرایی از جمله پیش‌بینی نهادهای تصمیم‌گیرنده، تدوین رویه شفاف و مناسب برای درخواست‌کنندگان، ایجاد نهادهای نظارتی و پژوهش‌خواهی از مرجع بدوی از مواردی است که باید در این قانون لحاظ شود» (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۶).

هر چند دولت‌ها با در اختیار داشتن اقتدار و قدرت خود، می‌توانند محدودیت‌هایی را برای آزادی و حقوق شهروندان ایجاد کنند، اما توجه به این نکته لازم و ضروری است که، اگر دولت، به دلایل غیر موجه^{۱۴} تجمعات را سرکوب یا محدود کند یا اساساً اجازه شکل‌گیری آن را ندهد، نه فقط اعتراضات را خاموش کرده، بلکه زمینه شکل‌گیری فرهنگ تجمعات ناصحیح را به شهروندان می‌آموزد؛ چه اگر شهروندان برای اعمال حق قانونی و اساسی خویش برای اعتراض دسته‌جمعی، همواره احساس حمایت دولتی کنند و آن را نتیجه‌بخش ببینند، شیوه‌ای صحیح از تجمعات سالم و قانونی را به نمایش می‌گذارند، هر چند مکرر و متوالی باشد؛ در مقابل، در صورت مضایقه دولت از اعطای این حق، تجمعات غیرقانونی قلمداد خواهد شد و این خود منشأ خشونت فیزیکی شهروندان علیه سخت‌گیری سیاسی دولت خواهد بود (عالی‌پور، ۱۳۸۶، صص. ۳۷۰-۳۷۱).

در نتیجه در تهیه این قانون باید به یک نکته اساسی توجه داشت و آن اینکه اصل بر آزادی است و اعمال محدودیت امری است استثنا و نیاز به دلیل دارد و محدودیت‌زایی

نباید به عنوان اصل و در تدوین قانون به صورت سراسری مورد استفاده قرار گیرد؛ از این رو رویکرد حکومت باید آزادی محور بوده و این آزادی بنیادین عموم مردم را با کمترین محدودیت تضمین نماید. با این وجود در عمل، دولت دوازدهم در جهت تضمین این آزادی اقدام به تصویب مصوبه‌ای، در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۷ به پیشنهاد وزارت کشور در جهت تعیین محل‌های مناسب برای تجمع‌های گروه‌های مختلف مردمی در تهران و شهرستان‌ها، کرده بود که در ادامه به نقد و بررسی این مصوبه و بعد از آن به پیشنهادی در جهت تضمین این آزادی مشروع عامه مردم خواهیم پرداخت.

۳-۱. مصوبه‌ای بر خلاف قانون

همان‌طور که گفته شد در راستای ایجاد ساختار مناسب جهت اجرایی سازی اصل ۲۷ قانون اساسی تلاش‌های قانونی متعددی نظیر تصویب قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و آئین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی صورت گرفته است که هیچ‌یک نتوانسته‌اند به نحو مطلوب و کامل منجر به اجرایی شدن اصل ۲۷ قانون اساسی که در مواد ۴۳ الی ۴۶ منشور حقوق شهروندی نیز به آن اشاره شده است، گردد.

یکی از این آخرین تلاش‌ها را می‌توان در مصوبه هیئت وزیران^{۱۵} مشاهده نمود. مصوبه‌ای که شاید بتوان از جهاتی آن را مثبت ارزیابی کرد؛ اما در حقیقت موجب انحراف اصل ۲۷ از اهداف اصلی خود همچون آزادی مردم در انجام تجمعات و راهپیمایی‌ها، شنیده شدن صدای معترضین بوسیله مسئولان ذی‌ربط و... بوده و با محدودسازی شدید آن، به نوعی قصد کنترل و ایجاد حاشیه امن برای دولت را به ذهن مردم متبادر می‌نمود و در نهایت به دلیل مغایرت با متن و روح قانون اساسی و در راستای دفاع از حقوق عامه توسط دیوان عدالت اداری باطل گردید. در ادامه به بخشی از تعارضات این مصوبه با قانون اساسی و نقد دفاعیات دولت از آن پرداخته خواهد شد.

از برجسته‌ترین انتقادات وارده بر این مصوبه محدود کردن ناروای آزادی تجمعات با تعیین مکان‌هایی برای تجمع و همچنین منوط کردن تجمعات به کسب مجوز پیشینی از دولت، که کاملاً برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی که صرفاً دو شرط «مخل به مبانی اسلام نباشد» و «عدم حمل سلاح» را برای تجمعات قرار داده و اصل را بر آزادی

گذارده است، می‌باشد و از طرفی لزوم کسب مجوز سبب واگذاری اختیار ناموجه به دولت می‌شود که ممکن است با خود تشخیصی‌های ناروا، موجب تضییع حقوق مردم گردد؛ همچنین نکته قابل توجه دیگر در این مصوبه، عدم اشاره به هیچکدام از شروط تعیین شده در اصل ۲۷ قانون اساسی است.

از طرف دیگر قانونگذار در اصل ۹ قانون اساسی صراحتاً بیان می‌دارد که: «هیچ فردی یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند». بنابر این اصل، هیچ مقامی حق ندارد با بهانه‌های سیاسی و امنیتی و... هر چند با وضع قانون، مردم را از حقوق شرعی و قانونی خود محروم نماید؛ از این جهت است که اعتبار مصوبه مورد بحث با توجه به مفاد آن مورد اشکال جدی است. این در حالی است که اصلی که همواره باید دولت‌ها در وضع مقررات به خاطر داشته باشند و آن را مدنظر قرار دهند رابطه میان حق، آزادی و محدودیت است به گونه‌ای که قانون به نحوی تدوین شود تا اعمال حق و آزادی در استثنا و وضع محدودیت اصل قرار نگیرد؛ به عبارت دیگر از میان نرفتن جوهره حق و آزادی در صورت محدودسازی آنها (زرگری‌نژاد و رنجبریان، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۴).

اشکال دیگری که به مصوبه هیئت وزیران وارد بوده، خارج بودن این مصوبه از حدود اختیارات این هیئت است؛ چرا که قانونگذار در صدر اصل ۱۳۸ قانون اساسی بیان می‌دارد: «علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد...». در نتیجه با توجه به این مقرر، اساساً وضع قانون و مقررات جهت نحوه برگزاری تجمعات تخصصی در صلاحیت هیئت وزیران نمی‌باشد.

همین ایرادات سبب شد تا هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۹۸ در رسیدگی به درخواستی رأی به ابطال این مصوبه بدهد^{۱۶}، اما معاون امور حقوقی دولت (حوزه معاونت حقوقی رئیس جمهور) به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷۹۰۳۶۸۱۳-۱۹۰۱۲۲۶۷۴ دفاعیاتی را از مصوبه مذکور بیان داشته که قابل توجه

است؛ به عنوان مثال با استناد به اصل ۹، ۲۷ و ۴۰ قانون اساسی و اشاره به ماده ۱۰ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و همچنین بند ۶ ماده ۱۱ همان قانون که «بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص درخواست برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها را از وظایف و اختیارات کمیسیون احزاب، متشکل از اعضای از قوای سه‌گانه را عنوان کرده» مصوبه هیئت دولت را توجیه نموده است. همه این استدلال‌ها در حالی است که اصل ۲۷ قانون اساسی صراحتاً آزادی تجمعات را پذیرفته و ذیل اصل نهم نیز هر گونه سلب آزادی را اگر چه با وضع قانون باشد به طور واضح بی‌اعتبار دانسته است و مقررات وضع شده در این مصوبه چیزی فراتر از مقرراتی ساده جهت تسهیل و تلاش در جهت حفظ نظم عمومی است. از طرفی استناد به قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی که قانونی خاص بوده و تسری حکم آن به هر گونه تجمع مردمی، خلاف قواعد حقوقی است. علی‌ای حال با ابطال این مصوبه مجدداً خلأ قانونی برای اجرایی شدن اصل ۲۷ قانون اساسی، که از حقوق ملت به شمار می‌رود، برجسته شد.

همان‌طور که بیان شد حق بر آزادی تجمعات و ابراز اعتراضات نسبت به سیاست‌ها و عملکرد حاکمان از جمله حقوقی است که از اهمیت به‌سزایی برخوردار و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان باقی حقوق از دست رفته را مطالبه نمود و حتی در برابر قوانین ناعادلانه اعتراض کرد. بنابراین تأکید بر اصل ۲۷ قانون اساسی و تأکید بر اجرایی شدن آن به نوعی تأکید بر حراست و حفاظت از کلیه حقوق ملت و قانون اساسی است؛ اما در کنار این موضوع می‌بایست به این نکته نیز توجه نمود که به همان میزان که اصل ۲۷ قانون اساسی می‌تواند به احیای حقوق عامه و برقراری عدالت کمک نماید به همان میزان نیز ممکن است خطرآفرین بوده و موجب سلب و هدم حقوق ملت، تضعیف حکومت مرکزی، ورود خسارت به اماکن عمومی و بیت‌المال، اختلال در مبانی اسلامی، سوءاستفاده بیگانگان و آشوبگران داخلی، ایجاد فرصت مناسب جهت بهره‌برداری گروه‌های تجزیه طلب و تروریستی و... گردد و کشور را در سطح داخلی و بین‌المللی دچار بحران کند.

قانون‌گذار در اصل چهلم قانون اساسی که به نوعی حاکم بر باقی اصول قانون اساسی بوده و منبعث از قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» است به صراحت بیان

می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»؛ بنابراین لازم است جهت تحقق اصل ۲۷ قانون اساسی تدابیری اندیشید که ضمن تضمین حق آزادی تجمعات از هر گونه ضرری پیشگیری نمود و خطرات آن را به کمترین میزان ممکن کاهش داد.

۴. پیشنهادات

بنابر آنچه گذشت لازمه تضمین حقوق ملت در مورد آزادی تجمعات، طرح و تصویب قانونی صریح در این باره در مجلس شورای اسلامی است که با رعایت حقوق ملت، مقدمات اجرایی شدن این امر را فراهم سازد. گرچه در گذشته تلاش‌هایی صورت گرفت اما هر یک به دلایل مختلف حقوقی و سیاسی به نتیجه نرسیده و همچنان این اصل معطل مانده است. از همین‌رو در این قسمت سعی بر آن بوده تا به لوازم و پرسش‌های مطرح شده در طول نوشتار پاسخ داده شود و به حدود و ثغور این اصل و ارائه راهکارهایی جهت فائق آمدن بر موانع قانونی، امنیتی و اجتماعی آن پرداخته شود.

۴-۱. اطلاع پیشینی

همان‌طور که توضیح داده شد هر گونه نظارت پیشینی و الزام به کسب مجوز از هر ارگان و مقامی بر خلاف اصل ۲۷ قانون اساسی و روح حاکم بر آن خواهد بود و می‌بایست از آن جلوگیری نمود. به همین دلیل به نظر می‌رسد استفاده از مکانیسم اطلاع پیشینی کارآمد باشد؛ به این صورت که درخواست‌کنندگان یک تجمع، در زمانی معقول پیش از آغاز تجمع، زمان و مکان دقیق تجمع و یا مسیر راهپیمایی را به همراه موضوع آن در سامانه‌ای در وزارت کشور ثبت نمایند تا ابتدا درخواست ثبت شده توسط «کمیته ویژه تجمعات مردمی» متشکل از فرماندار، فرمانده نیرو انتظامی شهرستان، فقیهی به انتخاب نماینده ولی فقیه در شهرستان که ریاست کمیته مزبور را نیز فرماندار بر عهده خواهد داشت، از جهت انطباق با شروط مقرر در اصل ۲۷ و دیگر موارد طرح قانونی تجمعات ظرف مدت حداکثر ۴۸ ساعت بررسی شود و چنانچه مغایرتی یافت نشد و یا شورای مذکور نظری بر رد یا تأیید ارائه نکرد منعی بر برگزاری آن نخواهد بود. فرمانداری شهرستان مربوطه نیز موظف خواهد بود تمهیدات لازم از



قبیل اطلاع‌رسانی به نیروهای انتظامی، نیروهای امدادی و... را در صورت نیاز انجام دهد.

در صورت مخالفت با درخواست متقاضیان، ایشان می‌توانند اعتراض خود را در سامانه مذکور ثبت نمایند و کمیته ویژه تجمعات مردمی موظف خواهد بود ظرف حداکثر دو روز اعتراض را بررسی و نتیجه را به صورت علنی اعلام نماید. در صورت عدم تطابق دلایل ارائه شده با قانون، متقاضیان می‌توانند شکایت رسمی خود را به دادستانی شهرستان ارائه نموده و دادستانی می‌بایست از باب احیای حقوق عامه آن را به طور خارج از نوبت بررسی کرده و نتیجه را به شکل رسمی اعلام نماید.

البته باید این نکته مهم را در نظر داشت که «تجمع‌های بدون برنامه قبلی و خودجوش، در هر حالت استثنایی بر رویکرد اطلاع قبلی است؛ چرا که تجمع بدون برنامه قبلی، تجمعی است که در نتیجه واکنش فوری به یک رویداد، سخنرانی یا برپایی تجمعی دیگر برپا می‌شود. در واقع چنین تجمعی یا اصلاً سازمان‌دهنده ندارد که بخواهد وقوع تظاهرات را از قبل به مراجع صلاحیت‌دار اطلاع دهد یا سازمان‌دهنده آن مشخص نیست یا توانایی اطلاع قبلی را به دلیل ماهیت خاص تجمع ندارد» (زرگری نژاد و رنجبریان، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۶). در این حالت نیز دولت باید به تضمین این تجمعات اقدام نماید و نه تنها مانع برگزاری این تجمعات نشود بلکه در تدوین قوانین، این حالت استثنا و اقدامات متناسب برای رویارویی با آن را پیش‌بینی نماید.

با وجود این مکانیسم، اصل آزاد بودن راهپیمایی و تجمعات مندرج در اصل ۲۷ به نحو قاعده‌مند رعایت شده و با وجود اطلاع پیشینی از برهم خوردن نظم عمومی و نقض شرایط قانونی جلوگیری می‌شود؛ از طرفی با در نظر گرفتن حق اعتراض برای مردم از حق ایشان صیانت شده و حق تظلم‌خواهی آنها مقرر در اصل ۳۴ قانون اساسی محفوظ خواهد بود و با در نظر گرفتن دادستان به عنوان شخص ثالث و مدعی‌العموم سعی در رعایت اصل انصاف شده است.

۲-۴. اخلال به مبانی اسلام

تنها نکته‌ای که می‌تواند محل چالش جدی در ارتباط با این کمیته قرار گیرد، چیستی مبانی اسلامی و اخلال به آن و چگونگی تشخیص آن است که خود پژوهش و نگاره

جداگانه‌ای را می‌طلبد؛ اما همان‌طور که توضیح داده شد، به نحو اختصار می‌توان بیان داشت که تعریف روشن و صریحی در این باره در قانون و نظریات تفسیری شورای نگهبان به عنوان مقام صالح تفسیر قانون اساسی وجود ندارد و در متون دینی نیز اجماعی بر آن یافت نمی‌شود و می‌توان در این باره سؤالاتی را از قبیل موارد ذیل مطرح نمود: تفاوت مبانی اسلامی با موازین اسلامی و اصول دین چیست؟ آیا تمامی احکام دینی جزء مبانی اسلامی محسوب می‌شود؟ اعتراض به تبدیل یک حکم شرعی به قانون اجتماعی از موارد اخلال در مبانی دینی است؟ در صورت اختلاف در فتاوی و نگرش‌های معرفتی دینی کدام ملاک خواهد بود؟ منظور از اخلال در اصل ۲۷ چیست؟ می‌توان امری را تصور نمود که مغایر مبانی اسلامی باشد ولی به علت عدم گستردگی و ضعف آن موجب اخلال نشود؟ و...

یکی از مراجع عظام تقلید در پاسخ از چیستی مبانی اسلام اینگونه پاسخ می‌دهند: «منظور از «مبانی اسلام»، مسائل ضروری دینی است. خواه در مسائل اعتقادی باشد، مانند توحید و معاد و عصمت انبیا و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و امثال آن، و خواه در فروع دین و احکام و قوانین اسلام، و خواه در مسائل اخلاقی و اجتماعی باشد و منظور از «اخلال» هر کاری است که سبب تضعیف مبانی فوق، یا ایجاد بدبینی و شک و تردید نسبت به آنها شود، خواه از طریق درج مقاله باشد، یا داستان، یا عکس و کاریکاتور و یا غیر آن».^{۱۷} همچنین همان‌طور که قبلاً ذکر شد از مذاکرات خبرگان قانون اساسی این‌گونه برمی‌آید که عناوینی همچون توهین به مقدسات اسلامی و شعائر دینی، نشر کتب مضلّه مبتنی بر رد خدا، پیامبر و تضعیف عقاید مردم، از موارد اخلال به مبانی اسلام است.^{۱۸} بر این اساس برخی نویسندگان حقوقی و سیاسی به اعداد مصادیق ضروری دین به عنوان مبانی اسلام پرداخته‌اند؛ بدین ترتیب از نگاه آنان تشکیل اجتماعات به منظور نشر مطالب الحادی یا اشاعه فحشا و منکرات، مخل مبانی اسلام است (ایمانی و قمطیری، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۹). در نتیجه سلب آزادی آنانی که تخریب بنیان‌های ایمانی اجتماع را هدف قرار داده‌اند، نامشروع نیست زیرا حفظ اجتماع بر بنیان صحیح و مصون نگاه داشتن آن از انحطاط حق طبیعی افراد آن جامعه است (رحمانی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۳).

از جهت وجود این ابهامات، حضور یک فقیه در کمیته ویژه تجمعات مردمی

پیش‌بینی شده و تشخیص مخمل مبانی اسلام بودن موضوع اعلامی، به او واگذار می‌شود؛ گرچه به نظر می‌رسد راه‌حل نهایی استفسار مقام ذی‌صلاح از شورای نگهبان برای رسیدن به ملاک واحد در تعیین مصادیق اخلال در مبانی اسلامی است.

۳-۴. حفظ و تأمین امنیت

در اغلب کشورها این پلیس است که مرجع اصلی و مقام اداری برای تصمیم‌گیری در بحث آزادی اجتماعات بوده و بیشتر با اموری چون نظم و امنیت درگیر است و به جزئیات امور آگاه است. از این‌رو اطلاع و اعلامیه برگزاری تجمعات به این نهاد ارائه می‌شود (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۶). از همین‌رو در مورد نحوه اجرا و تأمین امنیت تجمعات و راهپیمایی‌ها به پیروی از قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ این نیرو مسئولیت خواهد داشت.^{۱۹}

از نظر برخی در تظاهرات و تجمعات عمومی، پلیس باید اختیار کافی داشته باشد تا بتواند از بی‌نظمی جلوگیری نماید، اما قوه مقننه صلاحیت ندارد مقرراتی وضع کند و قوه قضائیه نباید احکامی صادر کند که به بازداشت بی‌مورد تظاهرات‌کنندگان و در نتیجه خفقان بینجامد (بوشهری، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۷). این بیان بسیار آزادی‌خواهانه است؛ اما در عین حال این امر را روشن نمی‌سازد که حدود نظمی که پلیس باید آن را حفظ کند چیست؟ مواردی که قوه قضائیه می‌تواند احکام منجر به بازداشت تظاهرات‌کنندگان را صادر نماید، کدامند؟ و در نهایت حمایت از تظاهرات‌کنندگان تا کجا می‌تواند باشد؟ در مورد نحوه مدیریت صحنه توسط این نیرو با حفظ تمامی مراتب حقوق شهروندی می‌بایست مکانیسم دقیقی طراحی گردد؛ بدین شکل که در صورت بروز تخلفات گسترده مانند هر گونه اهانت، هتک حرمت، فحاشی و شعار هنجارشکنانه موضوع مواد ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، استعمال انواع سلاح گرم و سرد، وسایل آتش‌زا، دودزا، انفجاری و از این قبیل وسایل^{۲۰}، آسیب رساندن و تخریب اموال عمومی و خصوصی موضوع مواد ۶۸۳ و ۶۸۷ قانون تعزیرات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، هر گونه فعالیت تبلیغی در حمایت از گروه‌های مخالف نظام و بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران طبق ماده ۵۰۰ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، تخلف از موضوع ثبت شده توسط نماینده و یا نمایندگان مردمی در

سامانه مربوط در وزارت کشور و سد معابر به گونه‌ای که باعث برهم خوردن نظم عمومی گردد، نیروی انتظامی بتواند پس از اعلان دو اخطار رسمی به تجمع‌کنندگان جمعیت را در راستای حفظ امنیت اجتماعی و رعایت مصلحت عمومی متفرق سازد؛ همچنین باید در نظر داشت چنانچه نیروی انتظامی برخلاف مقررات از تجمعات جلوگیری نموده و حقوق تجمع‌کنندگان را ضایع کند طبق ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵^{۱۱} مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

بنابراین در این طرح تجویز شده، سعی شد حتی‌المقدور بیشترین آزادی برای مردم در نظر گرفته شود و نگرانی اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی همان‌طور که از قبل ذکر شد، مبنی بر دخالت ناروای دولت و نیروهای انتظامی و امنیتی در جهت ضایع نمودن حق مردم و بی‌خاصیت نمودن اصل آزادی تجمعات برطرف گردد. نکته دیگری که می‌بایست به آن توجه شود بحث خساراتی است که ممکن است در جریان به خشونت کشیده شدن تجمعات و اعتراضات به اشخاص ثالث وارد گردد و بعضاً عامل یا عاملین آن نیز به علت شلوغی، ازدحام و آشوب مشخص نگردد. برای این‌گونه موارد و جلوگیری از متضرر شدن اشخاص ثالث می‌توان با استناد به اصل چهارم قانون اساسی و قاعده لاضرار صندوقی را جهت پرداخت بدهی‌ها در ذیل دولت پیش‌بینی نمود تا خسارات از محل آن پرداخت شود و دولت بتواند به فرض شناسایی مرتکبین خسارات را از آنان مطالبه نماید.

نتیجه‌گیری

آنچه که در وضعیت موجود و فعلی نظام حقوقی جمهوری اسلامی به چشم می‌خورد ضعف در پوشش این خلأ و تضمین و تعهد ایجابی این آزادی برای مردم است؛ از این‌رو علاوه بر گام‌های ناقصی که دولت سعی در برداشتن آن‌ها داشته است با این حال همچنان شاهد تسلیم حکومت در مقابل تأمین چهارچوب‌های اصل بیست و هفت قانون اساسی و ایفای این آزادی مشروع برای مردم هستیم، که مهم‌ترین چالش آن عدم وجود یک متن قانونی متقن در جهت تأمین امنیت عامه مردم و پوشش محدودیت‌های ذکر شده می‌باشد.

از این‌رو و از پس مشکل بیان شده به نظر می‌رسد به منظور تأمین امنیت مردم و

حفظ نظم اجتماعی تجمع‌کنندگان باید، در زمانی معقول پیش از آغاز تجمع، زمان و مکان دقیق تجمع و یا مسیر راهپیمایی را به همراه موضوع آن در سامانه‌ای در وزارت کشور ثبت نمایند تا ابتدا درخواست ثبت شده توسط کمیته ویژه تجمعات مردمی بررسی شود تا از جهت انطباق با شروط مطرح‌شده در اصل ۲۷ و دیگر موارد طرح قانونی تجمعات ظرف مدت حداکثر ۴۸ ساعت بررسی شود و چنانچه مغایرتی یافت نشد و یا شورای مذکور نظری بر رد یا تأیید ارائه نکرد منعی بر برگزاری آن نخواهد بود.

همچنین در مورد مدیریت نظم و امنیت توسط نیروی انتظامی، با حفظ تمامی مراتب حقوق شهروندی، می‌بایست مکانیسم دقیقی طراحی گردد به این شکل که در صورت بروز تخلفات گسترده مانند تخلفات مذکور در قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از قبیل اهانت، هتک حرمت، فحاشی، استعمال انواع سلاح گرم و سرد و آسیب رساندن و تخریب اموال عمومی و خصوصی و...، نیروی انتظامی بتواند پس از اعلان دو اخطار رسمی به تجمع‌کنندگان جمعیت را در راستای حفظ امنیت اجتماعی و رعایت مصلحت عمومی متفرق سازد.

البته باید توجه داشت که سعی شد تا در آنچه گذشت، اصل بر حفظ و بقای آزادی عامه مردم باشد و اعمال محدودیت در حداقلی‌ترین حالت ممکن خود رخ دهد و به همین دلیل هر گونه اعمال سلیقه و تضییع حقوق معترضان و تجمع‌کنندگان مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

یادداشت‌ها

۱. «انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعات با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدان‌های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند».
۲. برخی از اعضای مجلس مذکور، اصل ۲۷ قانون اساسی را اساسی‌ترین اصلی دانسته که انقلاب به خاطر آن به وجود آمده است (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۳، ص. ۱۷۶۱).
۳. این اصل، تنها اصل پیشنهادی نبود؛ چرا که یک اصل در قالب اصل سی و یکم گروه تخصصی و دیگری نیز در قالب اصل بیست و نهم، تهیه و ارائه شد که در جلسه بیست و ششم مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در تاریخ ۱۳۵۸/۰۶/۳۱، اصل سی و یکم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در خصوص آن اقدام به رأی‌گیری شد که پس از مخالفت اکثریت اعضا، پیش‌نویس اولیه دیگری در دستور کار مجلس بررسی نهایی قانون اساسی قرار گرفت.
۴. در باب رابطه بین «اجتماع» و «راهپیمایی» باید بیان نمود که از منظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی، راهپیمایی نوعی از اجتماع است و به دیگر سخن ذکر لفظ «راهپیمایی» پس از «اجتماع» در اصل ۲۷ به نوعی ذکر مفهوم خاص بعد از عام است (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۷۱۱).
۵. از این رو آزادی تجمع و تظاهرات مسالمت‌آمیز برای همه اشخاص افزون بر حقوق داخلی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، همچون ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه، ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۲ اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان ۱۹۴۸، ماده ۱۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۱۱ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، پذیرفته شده است.
۶. «به نظر می‌رسد اصل ۲۷ قانون اساسی متأثر از شرایط سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی و بروز حوادثی همچون غائله کردستان به تصویب رسیده است که این‌گونه مورد توجه و حساسیت برخی از اعضای حاضر در جلسات بررسی اصل مذکور واقع شده است. لذا قیود به‌کار رفته در این اصل مانند غیر مسلحانه بودن و یا عدم اختلال به مبانی اسلام، تناسب و سنخیت چندانی با یکدیگر ندارند» (اشکبوس، ۱۳۹۵، ص. ۴۰).

۷. برخی از دکترین با توجه به قید مخل به مبانی اسلام و عدم حمل سلاح در اصل ۲۷ قانون اساسی، نظارت پیشینی و کسب مجوز جهت برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها را از این اصل قابل برداشت می‌دانند، با این توضیح که: «اگر اصل بر این باشد که راهپیمایی‌ها آزاد باشند و دولت تنها عهده‌دار برقراری نظم و نظارت پسینی در این خصوص باشد، دیگر تصویب اصل ۲۷ بی‌معنا جلوه می‌نمود و اکتفا به قوانین عادی در خصوص حمل سلاح و عدم اختلال در مبانی اسلام با توجه به غیرمجاز بودن آنها کافی و امکان بازخواست از مجرمین و نظارت پسینی در این زمینه وافی به مقصود بود. لذا تصویب این اصل با ذکر قیود مذکور در آن، لزوم وجود نظارت پیشینی را نشان می‌دهد» (اشکبوس، ۱۳۹۵، ص. ۲۷).
۸. قانون احزاب در ارتباط با سازوکار تجمعات گروه‌های سیاسی و احزاب که أخذ مجوز را به عنوان یک ضرورت به رسمیت شناخته است، به صراحت مغایر با اصل ۲۷ قانون اساسی است؛ کما اینکه شورای نگهبان نیز به موجب نظر شماره ۲۹۹۰ مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۲۵ خود این اعلام مغایرت را اعلام کرده بود، اما در بازگشت مجدد این قانون از مجلس به شورا در کمال تعجب بدون اصلاحات خواسته شده و با سکوت شورا در مدت قانونی به تصویب رسید. از طرف دیگر این قانون تنها توانایی تعیین و تکلیف نحوه برگزاری تجمعات را برای گروه‌های مخاطب این قانون بر عهده دارد؛ از همین رو همچنان ما در حوزه آزادی تجمعات گروه‌های مردم شاهد خلأ قانون‌گذاری در این حوزه هستیم.
۹. محدودیت‌هایی که در این آیین‌نامه بدون وجود قانون مشخصی وضع شده محل اشکال است؛ چرا که محدود نمودن آزادی‌های مشروع و عمومی مردم، امری است تقنینی و منحصر در وظایف مجلس شورای اسلامی و تفویض این امر به کمیسیونی در وزارت کشور مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است. ضمن آنکه مشخص نیست بر چه مبنایی بر اساس این آیین‌نامه باید مسئولیت را بر دوش تجمع‌کنندگان بار نمود؟
۱۰. نظر شماره ۲۹۹۰ مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص طرح قانونی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۰۴/۱۸ مجلس شورای اسلامی: «آن قسمت از تبصره ۲ ماده ۶ که تشکیل راهپیمایی در معابر عمومی را منوط به کسب اجازه قبلی از وزارت کشور دانسته، با توجه به اینکه اصولاً راهپیمایی در غیر معابر عمومی مصداق ندارد و طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل راهپیمایی بدون حمل سلاح و در صورتی که مخل به مبانی اسلام نباشد بدون قید دیگری آزاد است، مغایر قانون اساسی است.»

۱۱. «اگرچه اصل ۱۳ قانون اساسی قائل به آزادی اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده در انجام مراسم دینی خویش است ولی به نظر می‌رسد قید «عدم اخلال به مبانی اسلام» به تجمع اقلیت‌های مذکور نیز قابل تسری است و اقلیت‌های مذکور حق اجتماع و یا راهپیمایی جهت اظهار نظر برخلاف عقاید اسلامی نداشته و حق زیر سؤال بردن احکام اسلام را در تجمعات خود نخواهند داشت» (اشکبوس، ۱۳۹۵، ص. ۳۱).
۱۲. مطابق با استفساریه شماره ۳۹۹/۶/۱ مورخ ۱۳۷۷/۰۲/۰۷ وزیر کشور وقت، مبنی بر تفسیر عبارت «مخل به مبانی اسلام» مندرج در این اصل از شورای نگهبان، این شورا در پاسخ بر حسب آیین‌نامه داخلی خود، خود را تنها ملزم به جواب سؤالی دانسته است که از طرف هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی یا رئیس قوه قضائیه یا هیئت دولت و یا رئیس جمهور باشد و از پاسخ به این استفساریه خودداری نموده است.
۱۳. اصل ۹ قانون اساسی: «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند».
۱۴. اگرچه از هر درخواست اصلاح، تعدیل، آزادی‌طلبی و اعتراضی ممکن است حمایت نشود؛ اما هیچ دولتی را به‌خاطر دفاع از موجودیتش نمی‌توان سرزنش کرد؛ چرا که تا دولتی نباشد نمی‌تواند طرف مطالبه قرار گیرد. در این سطح، مبارزه به جنگ بر سر بود و نبود تبدیل می‌شود و انتظار اعدام داوطلبانه خود، غیرمنطقی و غیرطبیعی می‌نماید. بنابراین قواعد و قوانین حقوق بشری و حقوق اساسی، آنجایی امکان و حرمت اجرا دارند که تعرض به بنیان‌های نظام حاکم، که بود و نبود آن نظام بر آن بنیان‌ها مبتنی و مشروط است، صورت نگرفته باشد» (خلخالی، ۱۳۸۳، ص. ۵۵).
۱۵. تصویب نامه شماره ۳۷۸۷۶ ت ۵۵۰۶۸ هـ مورخ ۲۹ ۳ ۱۳۹۷ هیئت وزیران.
۱۶. برای دیدن متن دادنامه و رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری،
ر.ک: <https://divan-edalat.ir/aho-print/12354>
۱۷. برای دیدن متن کامل فتوای حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی،
ر.ک: <https://b2n.ir/a50426>
۱۸. مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی، اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، جلسات ۲۵ و ۲۸ و ج ۲، جلسه ۶۳.
۱۹. در بند سوم از ماده ۴ این قانون در مورد وظایف نیروی انتظامی آمده است: «تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های قانونی و مجاز و ممانعت و

- جلوگیری از هر گونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیرمجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیت‌های غیرمجاز».
۲۰. موارد و مصادیق آن در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب سال ۱۳۹۰ مورد اشاره قرار گرفته است.
۲۱. قانون‌گذار در این ماده بیان می‌دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

کتابنامه

۱. اسلامی، رضا و کمالوند، محمد مهدی (۱۳۹۳). «چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌الملل حقوق بشر». *مجله حقوق بین‌الملل*، ۳۱(۵۰)، صص. ۱۸۷-۲۲۲.
۲. اشکبوس، حمزه (۱۳۹۵). *بررسی اصل بیست و هفتم؛ موضوع جلسات بیست و ششم، بیست و هشتم، شصت و چهارم و شصت و پنجم مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۳. ایمانی، عباس و قمطیری، امیررضا (۱۳۸۸). *قانون اساسی در نظام حقوقی ایران*. تهران: نامه هستی.
۴. بوشهری، جعفر (۱۳۷۶). *مسائل حقوق اساسی*. تهران: نشر دادگستر.
۵. بی‌نام (۱۳۶۴). *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱ و ۳. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۶. حبیب‌نژاد، سیداحمد و سعید، سیده زهرا (۱۳۹۸). «بررسی حقوقی آزادی تحصن در نظام جمهوری اسلامی ایران با نگاهی تطبیقی به آزادی تجمع». *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، (۱)، (پیاپی ۱۱۱)، صص. ۲۸-۳.
۷. خلخالی، فرید (۱۳۸۳). «نظم عمومی و آزادی تجمع و تشکل، نشریه حقوق اساسی». *نشریه حقوق اساسی*، (۳)، صص. ۵۱-۶۴.
۸. دوفار، ژان (۱۳۹۱). *آزادی‌های گروهی* (ترجمه علی اکبر گرجی از ندریانی). تهران: انتشارات مجد.

۹. رحمانی، امیر (۱۳۸۲)، «آزادی سیاسی و اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (۱)؛ اصول تضمین‌کننده آزادی اجتماعی در نظام اسلام». فصلنامه حکومت اسلامی، (۳۱)، صص. ۱۹۵-۲۲۱.
۱۰. زرگری‌نژاد، نسیم و رنجریان، امیرحسین (۱۳۹۵). «چیستی و چگونگی اعمال حق تجمع مسالمت‌آمیز: تحلیل بر دستاورد گزارشگر ویژه ملل متحد». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۲)، صص. ۲۰۳-۲۳۰.
۱۱. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۶). «مدیریت حقوقی اجتماعات اعتراض‌آمیز». فصلنامه مطالعات راهبردی، (۳۶)، صص. ۳۴۹-۳۷۹.
۱۲. عباسی، بیژن (۱۳۹۵). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین؛ سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای. تهران: انتشارات دادگستر.
۱۳. قاسمی، آرین؛ گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و احمدی، سید محمدصادق (۱۳۹۶). «صیانت‌گری و مشارکت‌افزایی: واکاوی تأثیر کارویژه‌های حق بر آزادی تجمع در مناسبات دولت و ملت». پژوهش حقوق عمومی، ۲۰(۶۱)، صص. ۱۴۳-۱۶۸.
۱۴. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: نشر میزان.

وبسایت‌ها

1. <http://nazarat.shora-rc.ir/>
2. <https://rc.majlis.ir/>
3. <https://www.rrk.ir/>
4. <https://divan-edalat.ir/>
5. <https://makarem.ir/>

پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال بیستم، شماره سوم (پیاپی ۴۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص. ۴۴-۴۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی